

امت واحده از همگرایی تا واگرایی

نعمت الله پیغان*

در این مقاله نگرش قرآن به همگرایی و وحدت میان انسان‌ها و عوامل بر هم زننده آن مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه قرآن، انسان‌ها در آفرینش از یک گوهرند و وحدت دارند، یعنی همه از حضرت آدم به وجود آمدند، لیکن به سبب امتحان بشر و ظهور استعدادها و ظرفیت‌های او و نیز حسد و دنیاطلبی، فرقه‌گرایی، تفرقه افکنی‌های دشمنان و بدخواهان، القائنات شیطانی، مسخره کردن متقابل افراد و گروه‌ها، دادن لقب‌های زشت به یکدیگر و سوء ظن به یکدیگر، این وحدت فرو پاشیده است. قرآن کریم برای تحقق دوباره امت واحد، این مؤلفه‌ها را پیشنهاد می‌دهد: اخوت بین مسلمانان، مودت مسلمانان، الفت بین مسلمانان، رحمت مسلمانان در قبال همدیگر، رأفت بین مسلمانان، عفو، فضل، صفح، اصلاح، تعارف، احترام به سایر ادیان و پیامبران الهی و ردّ انحصارطلبی گروهی خاص در مورد خداوند.

مقدمه

آیا انسان‌ها ذاتاً از یکدیگر بیگانه‌اند یا در ذات خود به همکاری و همگرایی تمایل دارند؟ در صورت همگرایی ذاتی انسان‌ها، چه عواملی باعث تفرقه و واگرایی و فروپاشی وحدت می‌شود؟ به نظر می‌رسد با توجه به آموزه‌های اسلامی، دلایل فراوانی مبنی بر وجود زمینه‌ها و عناصر همگرایی،

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر علوم قرآنی.

وفاق، اتحاد و تعاون و در یک کلام امت واحده در انسان‌ها وجود دارد که در این مقاله به مطالعه و بررسی این موضوع می‌پردازیم.

منظور از «وحدت انسان‌ها»، توحید اعتقادی و دینی و کنار گذاشتن اختلافات فکری و اعتقادی و سلیقه‌ای میان آنها نیست، بلکه مراد این است که با حفظ این اختلافات، نسبت به هم همدلی پیدا کنند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند. همچنین منظور از «وحدت امت اسلامی»، وحدت مواضع اعتقادی و فقهی و عدم بیان آنها نیست، بلکه مقصود این است که نخست فرقه‌های اسلامی به طور صحیح یکدیگر را بشناسند، از مواضع فکری و اعتقادی هم کاملاً مطلع شوند و برای حفظ و گسترش کیان اسلام از نزاعی که قرآن کریم آن را نهی کرده «لاتنازعوا فتنفسلوا و تذهب ریحکم»^۱ بپرهیزند و برای دفاع از ساحت قرآن و اصول ثابت و مشترک اسلامی، يد واحده باشند.

از دیدگاه قرآن کریم، انسان‌ها وحدت در خلقت دارند، چون خداوند آنها را از «نفس واحده» آفریده است. «نفس» به معنای عین است و نفس هر شیء یعنی عین آن شیء، و نفس انسان آن چیزی است که قوام انسان به آن است و انسان به واسطه آن، انسان است و آن مجموع روح و جسم انسان در این دنیا و روح به تنهایی در برزخ است.^۲

در آیات ذیل بر مفهوم نفس واحده تأکید شده است:

[۱.] یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجلاً

کثیراً و نساءً؛^۳ ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، همو که شما را از یک تن یگانه بیافرید و همسر او را هم از او پدید آورد و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکند.

علامه طباطبایی و فخر رازی معتقدند مراد از «نفس واحده» در آیه شریفه حضرت آدم علیه السلام و مراد از «زوجها» همسرش حواست که این دو والدین انسان‌ها هستند و خلقت حوا نیز از آدم علیه السلام است؛ بنابراین خلقت همه انسان‌ها به حضرت آدم منتهی شده و وحدت در خلقت دارند.^۴

محمد رشید رضا نیز با تأکید بر این که همه انسان‌ها از نفس واحده خلق شده‌اند و وحدت در خلقت دارند، می‌گوید: در این که آن «نفس واحده» کیست، اقوال مختلفی است لکن منافاتی ندارد که مراد حضرت آدم علیه السلام باشد.^۵

فخر رازی در تفسیر آیه فوق می‌گوید: این امر که همه انسان‌ها از «نفس واحده» خلق شده‌اند می‌طلبد که نوعی انس و اتحاد بین انسان‌ها برقرار باشد تا موجب زیادت‌تر شدن محبت و ترک تفاخر و تکبر بر یکدیگر شود.^۶

[۲.] و هو الذی انشأکم من نفس واحدة فمستقر و مستودع قد فضلنا الایات لقوم یفقهون؛^۷ و

اوست که شما را از تن یگانه‌ای پدید آورد و آن گاه [شما را] قرارگاه و ودیعت گاهی است.

به راستی که آیات [خود] را برای قومی که در می‌یابند به روشنی بیان کرده‌ایم. علامه طباطبایی^۸ و فخر رازی^۹ و محمدرشید رضا^{۱۰} درباره این آیه می‌گویند: مراد از «أَنْشَأَكُمْ» در آیه شریفه، «خَلَقَكُمْ» است و به این معناست که ذریه انسان با همه فزونی و گستردگی‌اش به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ منتهی می‌شود و بعضی از این ذریه، خلق شده و در زمین مستقرند و برخی نیز هنوز به دنیا نیامده‌اند و در صلب‌ها و رحم‌ها هستند و در آینده متولد خواهند شد.^{۱۱} همان طور که بیان شد، طبق مفاهیم قرآن، همه انسان‌ها از «نفس واحده» یعنی حضرت آدم خلق شده‌اند. از دیدگاه قرآن، این وحدت بشر در آفرینش، باید به وحدت در امت بینجامد؛ انسان‌ها فطرتاً با هم دوستی و الفت دارند و امتی واحد، متحد و همبسته را تشکیل می‌دهند. قرآن کریم تشکیل امت واحد را یک برنامه وسیع و جهانی برای تحقق حکومت جهانی واحد می‌داند. برای تحقق این آرمان در ادیان مختلف به ظهور مصلح آخر الزمان نوید داده است که وی این امت جهانی را بنیان می‌نهد.^{۱۲}

آیات «امت واحده»

در قرآن «امت» به چند معنا آمده است:^{۱۳}

۱. ملتی که دینی واحد دارند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً». ^{۱۴}

۲. امت به معنای جماعت: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ». ^{۱۵}

۳. امت به معنای چند سال: «وَلَتُنَّ أُخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابُ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ». ^{۱۶}

۴. امامی که پیشوا و مقتدای سایرین است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ». ^{۱۷}

«امت واحده» در نه آیه قرآن آمده است که این آیات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: آیاتی که خطاب به پیامبران بوده و فرمان الهی را برای تشکیل امت واحد به آنان یادآور می‌شود و بیان می‌کند که مردم به طور فطری و غریزی امت یگانه‌ای هستند و سرشت آنها اقتضا می‌کند که در این جهت حرکت کنند، اما اختلافاتی که پیش می‌آید آنان را به تفرقه می‌کشاند. تأکید بر وحدت فطری امت‌ها در این آیات به این معناست که پیامبران باید موانع این وحدت را بردارند. این دسته آیات هشدار می‌دهد که تنها خدا شایسته سروری است و باید فقط او را عبادت کرد که این خود می‌تواند موضع وحدت امت نیز باشد؛ سپس بیان می‌کند که امت‌های پیامبران در طور تاریخ عصیان کرده و به تفرقه کشیده شده‌اند؛ این آیات عبارتند از:

[۱] إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلَّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ؛ ^{۱۸} این

امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید، ولی آنان در کار خود اختلاف پیدا کردند و همگی شان به سوی ما باز می‌گردند.

[۰۲] إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونَ فَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ؛ ۱۹ و همانا این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید، ولی آنان در کارشان میان خود اختلاف و تفرقه یافتند، هر گروهی به آنچه در دست دارد شادمان است.

فخر رازی می‌گوید: مراد از وحدت امت، وحدت در دین است و مراد از دین، اصولی است که مورد قبول همه شرایع است، مثل التزام به وجود ذات خداوند و صفاتش و امثال آن؛ بنابراین مختلف بودن شریعت‌های پیامبران، خللی به وحدت امت وارد نمی‌کند، چون به هر حال پیروان همه شرایع به اصول واحدی ملتزم هستند. ۲۰

دسته دوم: آیاتی که هر نوع مشیت جبرآمیز خداوند برای رسیدن به امت واحد را نفی می‌کند و نشان می‌دهد اراده خدا بر این تعلق گرفته که انسان با انتخاب و اختیار خود به امت واحد برسد. دسته دوم چهار آیه را شامل می‌شود که دو آیه از آن ویژه امت‌های پیشین بوده و یک آیه شامل امت اسلام و امت‌های پیشین است. این سه آیه ناظر به امت واحد بشری است، اما آیه چهارم ناظر به وحدت امت اسلام است.

این آیات عبارتند از:

[۰۱] وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَإِذْ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنَ النَّاسِ مَثَلًا هَدًى ذُو الْبَأْسِ الْعَظِيمِ وَمَا كُنَّا بِمُؤْمِنِينَ بِهِ إِنْ كُنَّا بِأَنَّاسٍ إِلَى رَبِّكَ لَأَنزِلَنَّ السَّمْوَاتِ بِسَمُومٍ كَذِبًا؛ ۲۱ و اگر پروردگارت می‌خواست، مردم را امت یگانه‌ای قرار می‌داد، ولی همچنان اختلاف می‌ورزند مگر کسانی که خداوند [بر آنان] رحمت آورد.

این آیه ناظر به امت واحد بشری است. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: مراد از وحدت و اختلاف در این آیه، وحدت و اختلاف در دین است. ۲۲ فخر رازی نیز معتقد است این آیه ناظر به امت واحد بشری است. ۲۳ رشید رضا هم معتقد است این آیه ناظر بر امت واحد بشری است و علت عدم اتحاد، امتحان انسان است. ۲۴

[۰۲] وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ؛ ۲۵ و اگر خداوند می‌خواست آنان را امت یگانه‌ای قرار می‌داد، ولی هر کس را که بخواهد در جوار رحمتش در می‌آورد و ستمکاران [مشرک] یار و یآوری ندارند.

این آیه نیز ناظر به امت واحد بشری است.

علامه طباطبایی و فخر رازی معتقدند در این آیه خداوند به پیامبر می‌فرماید که اگر خدا می‌خواست همه مردم را یک امت قرار می‌داد با صفاتی یکسان به نحوی که یا همه مؤمن باشند و وارد بهشت شوند و یا همه کافر باشند و وارد جهنم شوند، ولی سنت الهی این گونه است که انسان‌ها را آزاد بگذارد تا خود راهشان را برگزینند و آن گاه صالحان را از فاسقان جدا ساخته، صالحان را به

بهشت و فاسقان را به جهنم وارد سازد. ۲۶

[۳] ولو شاء الله جعلكم أمة واحدة ولكن ليلوكم فيما آتاكم فاستبقوا الخيرات...؛ ۲۷ و اگر خداوند می‌خواست شما را امت یگانه‌ای قرار می‌داد، ولی [چنین کرد] تا شما را در آنچه به شما بخشیده است بیازماید.

خطاب آیه شامل هم امت‌های پیشین و هم امت اسلام بوده و ناظر به امت واحد بشری است. علامه طباطبایی و فخر رازی و رشید رضا در تفسیر آیه می‌گویند: این آیه، ناظر به امت واحد بشری است، اما خداوند برای امتحان افراد بشر و تفکیک نیکان و بدان از یکدیگر، وحدت را در میان آنان ایجاد نکرد. ۲۸

[۴] ولو شاء الله لجعلكم أمة واحدة ولكن يضل من يشاء ويهدى من يشاء و لتسئلن عما كنتم تعلمون؛ ۲۹ و اگر خداوند می‌خواست شما را امت یگانه‌ای قرار می‌داد، ولی هر که را بخواهد بیراه می‌گذارد و هر که را بخواهد به راه می‌آورد و از چون و چندانچه کردید از شما خواهند پرسید.

این آیه ناظر به امت واحد اسلامی است.

علامه طباطبایی و فخر رازی در تفسیر این آیه بر این باورند که خداوند پس از این که در آیات قبلی به اختلافات میان مردم اشاره کرده، در این آیه می‌فرماید که این اختلافات غرض الهی در امر خلقت را نقض نمی‌کند، اگر خداوند بخواهد اینان را امت واحد قرار می‌دهد ولیکن این گونه نخواسته است تا هر کسی با اراده و خواست خود به سوی هدایت یا گمراهی برود و خداوند جزای عمل هر دو گروه را داده و آنان را در قبال اعمالشان باز خواست می‌کند. ۳۰

دسته سوم: آیاتی که دلالت می‌کند انسان‌ها در ابتدا امت واحدی بودند، سپس بین آنان اختلافاتی به وجود آمد و اتحادشان بر هم خورد. این آیات عبارتند از:

[۱] كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه و ما اختلف فيه إلا الذين أوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم؛ ۳۱ [در آغاز] مردم امت یگانه‌ای بودند آن‌گاه خداوند پیامبران مژده‌آور و هشدار دهنده برانگیخت و بر آنان، به حق، کتاب آسمانی نازل کرد تا در هر آنچه اختلاف می‌ورزند در میان آنان داوری کند و در آن اختلاف نکردند مگر کسانی که به آنان دین و کتاب داده شده بود که پس از آن که روشنگری‌ها نصیبتان شد از رشک و رقابتی که با هم داشتند [به اختلاف دامن می‌زدند].

علامه طباطبایی و رشید رضا در تفسیر این آیه می‌گویند: بر اساس این آیه، مردم در آغاز در امور دنیوی و مادیات، امت واحدی بودند، یعنی همگی به نحو یکسان از مادیات بهره‌مند بودند تا این که با

افزایش جمعیت بشر و گسترش نیازهای آنان، انسان‌ها برای رفع نیازهای خود به همکاری متقابل پرداختند و این امر موجب اختلاف بین آنان شده است.

برای رفع این اختلافات خداوند پیامبران و قوانینی را در قالب شریعت برای مردم فرستاد، لکن عده‌ای از اهل کتاب با آگاهی و از سر ظلم در شریعت الهی نیز ایجاد اختلاف کردند و موجب تفرقه مردم شدند؛ بنابراین از دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا، امت واحدی که قرآن حکایت می‌کند در امور دنیوی و مادیات واحد بوده‌اند.^{۳۲}

فخر رازی نیز در تفسیر آیه می‌گوید: بر اساس این آیه مردم در ابتدا امت واحدی بودند، لکن در زمان‌های بعدی اختلاف پیدا کردند که این اختلاف به سبب حسد و نزاع عده‌ای در مادیات ایجاد شده است. وی در این که وحدت این امت در چه بوده است، اقوالی را ذکر می‌کند و معتقد است قول مشهور این است که در اعتقاد به حق و تبعیت از آن وحدت داشته‌اند.^{۳۳}

[۲.] ماکان الناس إلا أمة واحدة فاختلّفوا و لولا کلمة سبقت من ربك لفضی بینهم فیما فیہ یختلفون؛^{۳۴} و مردم جز امت واحدی نبودند که سپس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده خداوند از پیش مقرر نگشته بود [به تأخیر حکم و عذاب] بین آنان در آنچه اختلاف کردند داوری می‌شد.

علامه طباطبایی و فخر رازی گفته‌اند: با توجه به این آیه، مردم در گذشته امت واحد بوده و دین واحد یعنی دین توحیدی داشته‌اند، سپس در آن اختلاف کرده برخی موحد و برخی مشرک شدند.^{۳۵} محمدرشید رضا این آیه را به نحوی تفسیر می‌کند که آیه قبلی را تفسیر کرد.^{۳۶}

[۳.] ولولا أن یكون الناس أمة واحدة لجعلنا لمن یكفر بالرحمن لیبوتهم سقفاً من فضة و معارج علیهما یظہرون...؛^{۳۷} و اگر نبود که [نمی‌خواستیم]، مردم امت یگانه‌ای [در کفر] می‌شدند برای خانه‌های کسانی که بر خداوند رحمان کفر می‌ورزیدند سقف‌هایی سیمین پدید می‌آوردیم و نیز نردبان‌هایی که از آن بالا روند.

علامه طباطبایی می‌گوید این امت واحد، در برخورداری از اسباب و عوامل زندگی واحد بودند و خداوند برای بقای این وحدت، به کفار برتری این چنینی نداده است.^{۳۸}

بر اساس این سه دسته آیات انسان‌ها در ابتدا امت واحد بودند، اما بعد اختلافاتی بین آنان ایجاد شد، خداوند پیامبرانی را برای رفع این اختلافات فرستاد و پس از پیامبر خاتم، ائمه علیهم‌السلام را مأمور به این امر کرد. هر چند در این خصوص تاکنون نتیجه مطلوب به دست نیامده است، لیکن امید می‌رود در حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام امت واحدی پدیدار گردد.

فلسفه امت واحده

بی تردید از مهم‌ترین مسائل امروز جهان اسلام، وحدت است، که به دلایل زیر ضروری می‌نماید:

۱. وحدت اسلامی فراهم‌کننده قدرتی حقیقی است که می‌تواند تکیه‌گاه استواری برای مسلمانان در رویارویی‌های فرهنگی بین تمدن‌ها باشد، زیرا گرچه مسلمانان از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت‌های استراتژیک، روحیه معنوی بالا، فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری متری برخوردارند، اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده اتحادی ایجاد نشود - همان‌طور که در حال حاضر چنین است - این مجموعه عظیم کارآیی نخواهد داشت.^{۳۹}

۲. وحدت اسلامی می‌تواند زمینه‌گسترده‌ای برای پژوهش و اجتهاد در منابع اسلامی فراهم آورد و بدین وسیله در رویارویی‌های فکری، فرهنگی و حل مشکلات انسانی یاری رساند.

۳. وحدت اسلامی موجب الگو شدن دیدگاه‌های اسلامی است.^{۴۰}

۴. وحدت اسلامی بر توانایی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری‌ها و بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی می‌افزاید. قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که وحدت مایه استواری و نیرومندی است و اختلاف موجب شکست و سستی است:

ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين؛^{۴۱} و اختلاف کلمه نداشته باشید که بددل خواهید شد و شأن و شوکتتان بر باد می‌رود و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است.

۵. وحدت اسلامی دستاورد طبیعی تکامل انسان و گویای پیشرفت و رشد فکری جامعه دینی است.^{۴۲}

۶. وحدت عامل اساسی در پیروزی پیامبر اسلام و نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود؛ وحدت همیشه عامل پیروزی بوده و خواهد بود.^{۴۳}

علل فروپاشی امت واحده

برخی از عواملی که موجب فروپاشی امت واحده (و حتی وحدت) می‌شود از این قرار است:

۱. ظلم، حسد و نزاع در طلب دنیا: عده‌ای برای کسب مادیات، از روی علم و آگاهی در کتاب خداوند اختلاف ایجاد کرده و موجب تفرقه و فروپاشی امت واحد شدند:

كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه و ما اختلف فيه إلا الذين أوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم؛^{۴۴} [در آغاز] مردم امت یگانه‌ای بودند و آن‌گاه خداوند پیامبران مژده آور و هشدار دهنده برانگیخت و بر آنان به حق کتاب‌های آسمانی نازل کرد تا در هر آنچه اختلاف می‌ورزند در

میان مردم داوری کند و در آن اختلاف نکردند مگر کسانی که به آنان دین و کتاب داده شده بود که پس از آن که روشنگری‌ها نصیبشان شد از رشک و رقابتی که با هم داشتند [به اختلاف دامن زدند].

۲. عدم موفقیت در ابتلا و آزمایش الهی: خداوند به رغم این که می‌توانست مردم را قهراً به اتحادی که مطلوب اوست وادارد، لکن به آنان اختیار داد که خود این راه را برگزینند تا ببازماید که چه کسانی نعمت‌های خدا را در راهی که مطلوب خداست در راستای ایجاد وحدت به کار می‌برند و چه کسانی تخلف کرده و به اختلاف و تفرقه چنگ می‌زنند:

و لو شاء الله لجعلکم أمة واحدة ولكن لیبلوکم فیما آتاکم؛^{۴۵} و اگر خداوند می‌خواست شما را امت یگانه‌ای قرار می‌داد، ولی [چنین نکرد] تا شما را در آنچه به شما بخشیده است ببازماید.

۳. فرقه‌گرایی‌ها و تفرقه‌طلبی‌های مردم:

ولا تكونوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم وکانوا شیعیاً؛^{۴۶} و از مشرکان مباشید، از همان کسانی که دینشان را پاره و پراکنده کردند و فرقه فرقه شدند.

۴. تفرقه افکنی‌های دشمنان: دشمنان اسلام از آغاز ظهور اسلام تاکنون همواره برای تفرقه‌اندازی و فروپاشی وحدت اسلامی تلاش کرده و می‌کنند:

یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانَةً من دونکم لا یألونکم خبالاً و ذوا ما عنتم قد بدت البغضاء من أفواههم و ما تُخفی صدورهم أكبر؛^{۴۷} ای مؤمنان، از غیر خودتان کسانی را به همدلی نگیرید که از هیچ نابخاری در حق شما فروگذار نکنند و به رنج و محنت افتادن شما را خوش دارند و دشمنی از لحن و سخنان آشکار شده است و آنچه دل‌هایشان پنهان می‌دارد بدتر است.

۵. وسوسه‌ها و القانات شیطانی:

إن الشیطان یترغ بینهم إن الشیطان کان للإنسان عدواً مبیناً؛^{۴۸} همانا شیطان میان آنها را به هم می‌زند، بی‌گمان شیطان دشمن آشکار انسان است.

عوامل دیگری نیز هست که گاه موجب بروز اختلاف بین مردم یک منطقه یا یک شهر می‌شود از آن جمله است:

۱. مسخره کردن گروهی، گروه دیگری را:

یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم؛^{۴۹} ای مؤمنان، نباید که قومی قوم دیگر را به ریشخند بگیرند.

۲. بدگمانی به یکدیگر:

یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثمٌ؛^{۵۰} ای مؤمنان، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است.

۳. اتصاف یکدیگر به لقب‌های زشت: «ولا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ»^{۵۱} و یکدیگر را به لقب‌های بد مخوانید».

۴. غیبت کردن:

ولا یَغْتَبُ بَعْضُکُمْ بَعْضاً اِیْحِبُّ اَحَدُکُمْ اَنْ یَاکُلَ لَحْمَ اَخِيهِ مِثْلَ فِکْرِهِمْ؛^{۵۲} و بعضی از شما از بعضی دیگر غیبت نکنند؛ آیا هیچ کدام از شما خوش دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد، که از آن تنفر دارید.

استراتژی‌های قرآنی در تحقق امت واحد

قرآن کریم برای تحقق امت واحد عوامل زیر را ذکر کرده است:

۱. اخوت بین مسلمانان

از دیدگاه قرآن کریم، همه مؤمنان با هم برادرند، بنابراین باید با هم متحد باشند و اگر در موردی بین دو مؤمن اختلاف یا نزاعی پیش آمد سایر مؤمنان باید بین آن دو صلح و دوستی برقرار کنند:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَیْکُمْ؛^{۵۳} همانا مؤمنان [مسلمانان] برادرند، پس بین برادرانتان آشتی برقرار سازید.

و اذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم اعداء فألّف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً؛^{۵۴} و نعمت خداوند را بر خود یاد کنید که دشمنان همدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت داد و به نعمت او با هم دوست شدید.

از دیدگاه علامه طباطبایی، اخوت میان مؤمنان، اخوت تشریحی است و حقوقی را در بر دارد.^{۵۵}

۲. مودت بین مسلمانان

مودت یعنی دوست داشتن چیزی و نیز به معنای آرزو کردن وجود و حصول آنچه محبوب است به کار می‌رود.^{۵۶}

از دیدگاه قرآن کریم مؤمنان باید با یکدیگر مودت و محبت داشته باشند که این خود، وحدت و همدلی را به دنبال دارد:

و جعل بینکم مودة و رحمة إنّ فی ذلك لآیات لقوم یتفکرون؛^{۵۷} و در میان شما دوستی و مهربانی افکند و در این امر برای اندیشه‌وران مایه‌های عبرت است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛^{۵۸} کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، زودا که خداوند رحمان در حق آنان مهربانی کند.

۳. الفت میان مسلمانان

الفت یعنی ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر یا ضمیمه کردن چند چیز با هم^{۵۹}. قرآن کریم مؤمنان را به الفت با یکدیگر ترغیب کرده و می‌فرماید:

وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ^{۶۰} و نعمت خداوند را بر خود یاد کنید که دشمنان همدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت داد.

۴. رحمت مسلمانان بر یکدیگر

رحمت به معنای رقت، عطوفت و رأفت است.^{۶۱} علامه طباطبایی می‌گوید:

رحمت اثری نفسانی است که با مشاهده محرومیت و حاجت شخص محروم، در قلب

انسان ایجاد می‌شود و مشاهده کننده را به کمک به محروم فرا می‌خواند.^{۶۲}

قرآن در این باره می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^{۶۳} و در میان شما دوستی و مهربانی افکند». در جای دیگر می‌فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ؛^{۶۴} محمد پیامبر الهی است و کسانی

که با او هستند بر کافران سختگیر و با خودشان مهربان هستند.

۵. رأفت مسلمانان

رأفت به معنای رحمت و برتر و شدیدتر از رحمت است، چرا که رحمت ممکن است از روی کراهت باشد، ولی رأفت چنین نیست، بلکه با رضایت قلبی است^{۶۵}. بدون شک رأفت مسلمانان به یکدیگر در

اتحاد و همدلی آنان نقش به‌سزایی دارد. قرآن کریم درباره اصحاب حضرت عیسی می‌فرماید:

«وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً»^{۶۶} و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار

دادیم». علامه طباطبایی^{۶۷} در این باره می‌نویسد: در مورد اصحاب پیامبر نیز قضیه چنین است، چون

خداوند درباره شان می‌فرماید: «رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ»^{۶۸}.

۶. عفو

عفو به معنای «ترک چیزی»^{۶۹} یا «صرف نظر کردن از چیزی که اقتضای نظر و توجه دارد»^{۷۰} آمده

است. قرآن کریم مسلمانان را به عفو فرا خوانده، می‌فرماید: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»^{۷۱} پس

هر که عفو و نیکوکاری پیشه کند پاداش او بر خداوند است.»

۷. فضل

فضل در لغت به معنای زیاده و نیز به معنای خیر می‌آید و افضال یعنی احسان و نیکی کردن^{۷۲}. قرآن کریم در تشویق مسلمانان به فضل و نیکی کردن به یکدیگر می‌فرماید: «و لا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ؛ و بزرگواری را در بین خودتان فراموش نکنید»^{۷۳}.

۸. صفح

صفح به معنای «کنار و جانب چیزی»^{۷۴} یا «عدول از چیزی به طرف یا جانب دیگری»^{۷۵} و «گذشت کردن و عفو»^{۷۶} آمده است. قرآن کریم مسلمانان را به صفح، گذشت و عفو یکدیگر ترغیب کرده است: *و ليعفوا وليصفحوا ألا تحبون أن يغفر الله لكم؛*^{۷۷} و باید عفو کنند و درگذرند آیا دوست ندارید که خداوند از شما درگذرد.

۹. صلح دادن

صلح به معنای مصالحه کردن، صلح کردن، اصلاح کردن و آشتی دادن آمده است.^{۷۸} قرآن از مسلمانان می‌خواهد که در صورت نزاع بین عده‌ای از مسلمانان، میان آنان صلح و آشتی برقرار کنند: *و إن طائفتان من المؤمنين اقتتلوا فأصلحوا بينهما؛*^{۷۹} و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم درافتند میان آنان را سازش دهید. در آیه دیگر آمده است: «فا تقوا الله و أصلحوا ذات بینکم»^{۸۰} پس از خداوند پروا کنید و بین خودتان آشتی کنید».

۱۰. تعارف

عرف در لغت به معنای «اطلاع بر چیزی»^{۸۱} و نیز «شناختن یکدیگر»^{۸۲} است. قرآن کریم ضمن توجه دادن مؤمنان به این که همه از مرد و زنی زاده شده‌اند و مثل هم هستند، به آنان هشدار می‌دهد که اگر قبیله قبیله‌اند به این علت است که همدیگر را بشناسند و الاً این امر مایه برتری گروهی بر گروه دیگر نیست:

يا أيها الناس انا خلقناكم من ذكر و أنثى و جعلناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أكرمكم عند الله أتقكم؛^{۸۳} هان ای مردم، همانا ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده‌ایم و شما را به هیأت اقوام و قبایل در آورده‌ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما در

نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.

۱۱. احترام به ادیان دیگر و سایر پیامبران الهی

قرآن می‌فرماید:

قالوا آمنا بالله و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلى إبراهيم و إسماعیل و إسحاق و یعقوب و الأسباط و ما اوتی موسى و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم؛^{۸۴} بگو به خداوند و به آنچه بر ما و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آورده ایم.

۱۲. ردّ داعیه اختصاص خداوند به اهل کتاب یا مسلمانان

لیس بأما نیکم و لا أمانی أهل الکتاب من یعمل سوءاً یُجزّ به؛^{۸۵} [وعدۀ الهی] بر وفق آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست، هر کس مرتکب ناشایستی شود جزای آن را می‌یابد و برای خود در برابر خداوند یار و یاور نمی‌یابد.

عمل به آموزه‌های قرآنی در تحقق امت واحده، ضمن این‌که تحقق بخش وحدت در میان مسلمان‌هاست، زمینه‌ساز همگرایی و وحدت در میان تمامی انسان‌ها نیز خواهد بود. ظهور موعود حضرت بقیة‌الله (عج) از حلقه‌های نهایی در تشکیل امت واحده اسلامی و پایان دوره‌واگرایی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. انفال (۸) آیه ۴۶.
۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان (قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۴ق) ج ۸، ص ۱۳۵؛
فخرالدین محمد رازی، تفسیر کبیر (بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق) ج ۸، ص ۶۴.
۳. نساء (۴) آیه ۱.
۴. سیدمحمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۵؛ فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۵، ص ۱۶۷.
۵. محمدرشید رضا، المنار (بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق) ج ۴، ص ۲۲۳-۳۲۶.
۶. فخرالدین محمدرازی، پیشین، ص ۱۶۷.
۷. انعام (۶) آیه ۹۸.
۸. سیدمحمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۷، ص ۲۲۸.
۹. فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۷، ص ۱۰۷.
۱۰. محمد رشید رضا، پیشین، ج ۷، ص ۶۳۸.
۱۱. آیات دیگری نیز در این باره وجود دارد از جمله: اعراف (۷) آیه ۱۸۹ و زمر (۳۹) آیه ۶.
۱۲. عبدالله حامد، اختلاف در امت واحد (تهران: انتشارات قلم) ص ۲۴.
۱۳. محمدرشید رضا، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۷.
۱۴. انبیاء (۲۱) آیه ۹۲.
۱۵. اعراف (۷) آیه ۱۸۱.
۱۶. هود (۱۱) آیه ۸.
۱۷. نحل (۱۶) آیه ۱۲۰.
۱۸. انبیا (۲۱) آیه ۹۲-۹۳.
۱۹. مؤمنون (۲۳) آیه ۵۲-۵۳.
۲۰. فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۱۲، جزء ۲۳، ص ۱۰۵.

۲۱. هود (۱۱) آیه ۱۱۸.
۲۲. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۱، ص ۶۵.
۲۳. فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۹، جزء ۱۸، ص ۷۸.
۲۴. محمدرشیدرضا، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۹۳.
۲۵. شوری (۴۲) آیه ۸.
۲۶. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۷؛ فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۱۴، جزء ۲۷، ص ۱۴۹.
۲۷. مائده (۵) آیه ۴۸.
۲۸. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۵، ص ۴۸۲؛ فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۶، جزء ۱۲، ص ۱۴؛ محمدرشید رضا، پیشین، ج ۶، ص ۴۱۸.
۲۹. نحل (۱۶) آیه ۹۳.
۳۰. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۵۹؛ فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۱۰، جزء ۲۰، ص ۱۱۲.
۳۱. بقره (۲) آیه ۲۱۳.
۳۲. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۱؛ محمدرشید رضا، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۶.
۳۳. فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۳، جزء ۶، ص ۱۲.
۳۴. یونس (۱۰) آیه ۱۹.
۳۵. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۸؛ فخرالدین محمد رازی، پیشین، ج ۹، جزء ۱۷، ص ۶۴.
۳۶. محمدرشید رضا، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۲۸.
۳۷. زخرف (۴۳) آیه ۳۳.
۳۸. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۰۵.
۳۹. سید محمدباقر حکیم، وحدت اسلامی (از دیدگاه قرآن و سنت)، ترجمه عبدالهادی فقهی‌زاده (تهران: تبیان، ۱۳۷۷) ص ۳۱.
۴۰. همان.
۴۱. انفال (۸) آیه ۴۶.
۴۲. سید محمدباقر حکیم، پیشین، ص ۱۱۷.
۴۳. صلاح‌الدین حسام، «وحدت و ضرورت آن»، وحدت مسلمین (دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات)، ص ۵۱۳.
۴۴. بقره (۲) آیه ۲۱۳.
۴۵. مائده (۵) آیه ۴۸.

۴۶. روم (۳۰) آیه ۳۲.
۴۷. آل عمران (۳) آیه ۱۱۸.
۴۸. اسراء (۱۷) آیه ۵۳.
۴۹. حجرات (۴۹) آیه ۱۱.
۵۰. همان، آیه ۱۲.
۵۱. همان، آیه ۱۱.
۵۲. همان، آیه ۱۲.
۵۳. همان، آیه ۱۰.
۵۴. آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.
۵۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۳، ص ۳۷۱.
۵۶. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن (بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۸ق) ص ۵۳۲.
۵۷. روم (۳۰) آیه ۲۱.
۵۸. مریم (۱۹) آیه ۹۶.
۵۹. احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغة (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق) ج ۱، ص ۱۳۱.
۶۰. آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.
۶۱. احمد بن فارس، پیشین، ج ۲، ص ۴۹۸.
۶۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۱۳.
۶۳. روم (۳۰) آیه ۲۱.
۶۴. فتح (۴۸) آیه ۲۹.
۶۵. ابن منظور، لسان العرب (بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق) ج ۵، ص ۸۲.
۶۶. حدید (۵۷) آیه ۲۷.
۶۷. سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۹، ص ۱۷۳.
۶۸. فتح (۴۸) آیه ۲۹.
۶۹. احمدبن فارس، پیشین، ج ۴، ص ۵۶.
۷۰. حسین مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸) ج ۸، ص ۱۸۱.
۷۱. شوری (۴۲) آیه ۴۰.
۷۲. احمدبن فارس، پیشین، ج ۴، ص ۵۰۸.
۷۳. بقره (۲) آیه ۲۳۷.
۷۴. احمدبن فارس، پیشین، ج ۳، ص ۲۹۳.

-
۷۵. حسین مصطفوی، پیشین، ج ۶ ص ۲۸۶.
۷۶. خلیل بن احمد فراهیدی، ترتیب کتاب العین، ج ۲، ص ۳۴۳.
۷۷. نور (۲۴) آیه ۲۲.
۷۸. ابن منظور، پیشین، ج ۷، ص ۳۸۴.
۷۹. حجرات (۴۹) آیه ۹.
۸۰. انفال (۸) آیه ۱.
۸۱. حسن مصطفوی، پیشین، ج ۸، ص ۹۶.
۸۲. راغب اصفهانی، پیشین، ص ۳۳۴.
۸۳. حجرات (۴۹) آیه ۱۳.
۸۴. بقره (۲) آیه ۱۳۶.
۸۵. نساء (۴) آیه ۱۲۳.